Islamic Maaref University

Scientific Journal
The History of Islamic Culture And Civilization

Vol. 16, Summer 2025, No. 59

Functionalist Pattern Analysis of the Science of History in the Holy Quran

Mohammad Sadeq Golpour Sote [1] \ Ali Elahi Tabar [2]
Seyed Ziauddin Mirmohammadi [3] \ Mohammad Kermani-Kojur [4]

1. PhD student in the History of Islamic Culture and Civilization, Maaref University, Qom, Iran (corresponding author). *sadeghgolpoor@gmail.com*
2. Assistant Professor, Department of History of Islamic Civilization, Al-Mustafa University (Imam Khomeini School), Qom, Iran. *ali_elahitabar2@miu.ac.ir*
3. Assistant Professor, Department of Islamic History and Civilization, Maaref University, Qom, Iran. *mirmohammadi@maaref.ac.ir*
4. Assistant Professor, Department of Islamic History and Civilization, Maaref University, Qom, Iran. *mkermani@maaref.ac.ir*

Abstract Info

Article Type:
Research Article

Received:
2024.06.22
Accepted:
2024.11.30

Abstract

Does the transition of historical knowledge from the past to the present and the achievement of non-historical knowledge follow a specific pattern or patterns? This is a question in the philosophy of history that philosophers have not addressed beyond the possibility. Presenting the problem to the Quran and examining the Quran's function in it, considering the abundant historical verses and also the purpose of guiding man, is a path to receiving an answer to this question. Accordingly, with a quantitative and qualitative exploratory and analytical method, the verses in question were first collected and classified from the entire Quran, and the process of extracting the pattern was carried out by discovering the recurring thing and also refining the distinctions in these verses. Finally, a three-part model was extracted, including basic historical knowledge (model input), the process of displacement (model process), and non-historical knowledge (output). Each of the components of this model was studied, and the diversity of the model's inputs and outputs, as well as the two types of reductive and additive processes in them, were identified.

Keywords Patternology, Cognitive Function, Function of History in the Quran, Cognitive Function Model.

Cite this article: Golpour Sote, Mohammad Sadeq, Ali Elahi-Tabar, Seyed Ziauddin Mirmohammadi & Mohammad Kermani-Kajur (2025). Functionalist Pattern Analysis of the Science of History in the Holy Quran. *The History of Islamic Culture And Civilization*. 16 (2). 9-30. DOI: 10.22034/16.59.7

DOI: https://doi.org/10.22034/16.59.7

Publisher: Islamic Maaref University, Qom, Iran.

مجلة علمية
تاريخ الثقافة والحضارة الإسلامية
السنة ١٦ / الصيف عام ١٤٤٧ / العدد ٥٩

معرفه أنموذج التعرف على اداء علم التاريخ فى القرآن الكريم

محمد صادق كل بور سوته [١] / علي الهي تبار [٢] / سيد ضياء الدين مير محمدي [٣] / محمد كرماني كجور [٤]

١. طالب دكتوراه مدرس تاريخ الثقافة و الحضارة الاسلامية، جامعة المعارف الاسلامية، قم، ايران (الكاتب المسوؤل).
sadeghgolpoor@gmail.com

٢. استاذ مساعد فرع تاريخ الحضارة الاسلامية، جامعة المصطفي (مدرسة الامام الخميني رحمه الله)، قم، ايران.
ali_elahitabar2@miu.ac.ir

٣. استاذ مساعد فرع تاريخ و الحضارة الاسلامية، جامعة المعارف الاسلامية، قم، ايران.
mirmohammadi@maaref.ac.ir

٤. استاذ مساعد فرع تاريخ والحضارة الاسلامية، جامعة المعارف الاسلامية، قم، ايران.
mkermani@maaref.ac.ir

معلومات المادة

نوع المقال: بحث

تاريخ الاستلام: ١٤٤٥/١٢/١٥

تاريخ القبول: ١٤٤٦/٠٥/٢٨

ملخّص البحث

هل مسار المعرفة التاريخية من الماضي الي الحاضر و الحصول علي معرفه غير تاريخية، يتبع نموذجا او نماذج معينه؟ سؤال في جو فلسفه علم التاريخ لم يتطرق اليه الفلاسفه أبعد من الأمكان. عرض المسألة علي القرآن و دراسة اداء القرآن فيه بالنظر الي الآيات التاريخية الكثيرة و ايضا هدف هداية الانسان، هو المسار لتلقي الجواب علي هذا السؤال. علي هذا الاساس تم باسلوب كمي و كيفي اكتشافي و تحليلي، بداية تجميع الآيات المستهدفة من اجمالي آيات القرآن و تصنيفها و من ثم تم استخراج النموذج من خلال اكتشاف امر التكرار و ايضا تصفية التمايزات في هذه الايات و بالنهاية تم استخراج النموذج ثلاثي الاجزاء الشامل علي معرفة الاساس التاريخي (نمط الدخول)، مسار التغيير (مسار النمط) و المعرفه غير التاريخية (الخروج). كل واحد من اجزاء هذا النموذج تم دراسته و التعرف علي تنوع مدخلات ومخارج الانموذج و ايضا نوعي المسار التقليصي و التصعيدي فيها.

الألفاظ المفتاحية معرفه الانموذج، الاداء المعرفي، اداء علم التاريخ في القرآن، نموذج الاداء المعرفي.

الاقتباس: كل بور سوته، محمد صادق، علي الهي تبار، سيد ضياء الدين مير محمدي و محمد كرماني كجور (١٤٤٧). معرفه أنموذج التعرف علي اداء علم التاريخ في القرآن الكريم. *مجلة تاريخ الثقافة والحضارة الأسلامية*. ١٦ (٢). ٣٠ ـ ٩.
DOI: 10.22034/16.59.7

رمز DOI: https://doi.org/10.22034/16.59.7

الناشر: جامعة المعارف الإسلامية، قم، ايران.

نشریه علمی
تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی
سال ۱۶، تابستان ۱۴۰۴، شماره ۵۹

الگوشناسی کارکردشناختی علم تاریخ در قرآن کریم

محمدصادق گل‌پور سوته [۱] / علی الهی‌تبار [۲] / سید ضیاءالدین میرمحمدی [۳] / محمد کرمانی‌کجور [۴]

۱. دانشجوی دکتری مدرسی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول).
sadeghgolpoor@gmail.com

۲. استادیار گروه تاریخ تمدن اسلامی، جامعة المصطفی (مدرسه امام خمینی‌قدس‌سره)، قم، ایران.
ali_elahitabar2@miu.ac.ir

۳. استادیار گروه تاریخ و تمدن اسلامی دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.
mirmohammadi@maaref.ac.ir

۴. استادیار گروه تاریخ و تمدن اسلامی دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.
mkermani@maaref.ac.ir

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی
(۹ ـ ۳۰)

مقاله مستخرج از رساله دکتری

تاریخ دریافت:
۱۴۰۳/۰۴/۰۲

تاریخ پذیرش:
۱۴۰۳/۰۹/۱۰

چکیده

اینکه گذار شناخت تاریخی از گذشته به حال و دستیابی به شناخت غیرتاریخی، از الگو یا الگوهای معینی پیروی می‌کند، پرسشی در فضای فلسفه علم تاریخ است که فیلسوفان فراتر از امکان به آن نپرداخته‌اند. عرضه مسئله به قرآن و بررسی عملکرد قرآن در آن باتوجه به آیات تاریخی فراوان و نیز هدف هدایتگریِ انسان، مسیری برای دریافت پاسخ به این پرسش است. بر این اساس با روش کمی و کیفی اکتشافی و تحلیلی، نخست آیات مورد نظر از کل قرآن، جمع‌آوری و طبقه‌بندی شد و فرایند استخراج الگو با اکتشاف امر تکرارشونده و نیز پالایش تمایزها در این آیات انجام گرفت و در نهایت الگویی سه جزئی شامل شناخت تاریخی پایه (ورودی الگو)، فرایند جابجایی (فرایند الگو) و شناخت غیرتاریخی (خروجی)، استخراج گردید. هر یک از اجزای این الگو مورد مطالعه قرار گرفت و تنوع ورودی‌ها و خروجی‌های الگو و نیز دو گونه فرایند کاهشی و افزایشی در آنها شناسایی شد.

واژگان کلیدی
الگوشناسی، کارکرد شناختی، کارکرد علم تاریخ در قرآن، الگوی کارکرد شناختی.

استناد:
گل‌پور سوته، محمدصادق، علی الهی‌تبار، سید ضیاءالدین میرمحمدی و محمد کرمانی‌کجور (۱۴۰۴). الگوشناسی کارکردشناختی علم تاریخ در قرآن کریم. *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*. ۱۶ (۲). ۳۰ ـ ۹.
DOI: 10.22034/16.59.7

کد DOI:
https://doi.org/10.22034/16.59.7

ناشر:
دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.

طرح مسئله

تاکنون علاوه بر کارکردهای متنوعی که برای علم تاریخ برشمرده شده، انتظاراتی نیز از علم تاریخ مطرح شده است. کارکردها بیشتر از جانب تاریخ‌پژوهان و همواره انتظارات از سوی غیر تاریخ‌پژوهان مطرح شده است. ازجمله کارکردهای علم تاریخ که از سوی اهالی علم تاریخ مورد اختلاف واقع شده و همواره در انتظارات غیر تاریخ‌پژوهان مطرح شده، این است که آیا علم تاریخ از آن جهت که یک علم است می‌تواند کارکرد و فایده علمی برای امروز داشته باشد؟ یعنی آیا یک تاریخ‌پژوه همچون یک جامعه‌شناس، اقتصاددان و یا یک حقوقدان که با مسئله‌های علوم انسانی روزگار خود مواجه‌اند و به دنبال پاسخ امروزین به آنها می‌باشند، امکان چنین فعالیت علمی برایش فراهم است؟

در پاسخ به این پرسش، برخی اساساً امکان چنین کارکردی را برای علم تاریخ انکار کرده‌اند. گاهی به این انکار تصریح شده و گاه نیز این انکار از مجموعه فعالیت‌های علمی تاریخ‌پژوهان قابل استنباط است؛ یعنی پس از بررسی بسیاری از آثار تاریخ‌پژوهان و نیافتن چنین کارکردی از علم تاریخ در این آثار، می‌توان گستره غیر امروزین فعالیت علمی آنان را استنباط کرد.

رانکه در میان مخالفان، مهم‌ترین تاریخ‌پژوه معاصر است که مخالفت خود را به طور صریح بیان کرده است:

> رسالت مورخ، قضاوت درباره گذشته و هدایت حال به نفع قرون آینده نیست؛ بلکه تنها نشان دادن چیزهایی است که اتفاق افتاده است.[۱]

برخی نیز با چنین کارکردی برای علم تاریخ موافق‌اند اگرچه در میان آنان نیز پرسش‌هایی مانند اینکه این کارکرد چیست؟ و یا چه اصول و ضوابطی بر آن حاکم است؟ پاسخ روشنی وجود ندارد و غالباً نمونه‌های نمایانی از سوی آنان ارائه نمی‌شود و با آنکه این مسئله و مسئله‌های مرتبط با آن دست‌کم یک قرن است که به طور جدی‌تری مطرح شده است، هنوز ادبیات علمی متناسب با آن شکل نگرفته است و واژهایی چون «آموزندگی تاریخ»،[۲] «تاریخ معاصر به معنای تاریخ برای زمان حال»[۳] و «تاریخ جهانی»[۴] واژه‌های به کاررفته از سوی موافقان در این باره است. گدیس، قدری از دیگران فراتر اندیشه نموده است و تعبیر «تعمیم یافته‌های تاریخی» در مطالب او ناظر به روش چنین کارکردی نیز هست که البته خود نیز به ابهام دچار است.

---

۱. گدیس، «تاملی در تاریخ معاصر»، ***تاریخ معاصر***، ترجمه حسینعلی نوذری، ش ۵، ص ۸۴.
۲. اسکایلر، «آیا از تاریخ می‌توان آموخت؟»، ***بخارا***، ترجمه عزت‌الله فولادوند، ش ۲۰، ص ۱۹ ـ ۱۸.
۳. گدیس، «تاملی در تاریخ معاصر»، ***تاریخ معاصر***، ترجمه حسینعلی نوذری، ش ۵، ص ۷۹.
۴. همان.

پاسخ به این مسئله را می‌توان از راه‌های مختلفی دنبال کرد که یکی از آنها بررسی مسئله در آثاری است که به طور عملی این کارکرد شناختی در آنها انجام گرفته است. از جمله این آثار قرآن است که به دلیل پرداخت درخور آن به داده‌های تاریخی از یک سو و رسالت هدایتگری آن نسبت به نسل معاصر نزول و نسل‌های بعدی، عرضه مسئله به قرآن و دریافت پاسخ آن، مورد توجه قرار گرفت.

بر این اساس با تمرکز بر آیات تاریخی قرآن، مسئله کارکردشناختی امروزین علم تاریخ را عرضه کرده و پرسش‌هایی ناظر به آن را مطرح خواهیم کرد؛ ازجمله اینکه الگوی این کارکرد در قرآن چیست؟ آیا این الگو دارای اجزائی است؟ در صورت داشتن اجزا، رابطه این اجزا چیست؟ و الگوی مورد نظر چگونه کار می‌کند؟ تلاش خواهیم کرد تا پاسخ قرآن به آنها را دریافت نماییم.

پیشینه

با آنکه اثری هرچند مختصر که همه اضلاع مسئله این پژوهش یعنی الگو، کارکردشناختی، علم تاریخ، و قرآن را یکجا شامل شود و یا حتی به این الگو در غیر از قرآن ازجمله در منابع روایی و یا تاریخی کهن یا معاصر اعم از غربی و غیر غربی بپردازد، یافت نگردید، هرچند سه دسته آثار که نزدیک به فضای مسئله این پژوهش است، قابل شناسایی است:

الف) آثار تفسیری که ذیل واژه «عبرت» به مفهوم آن و یا ارائه مصادیقی از آن[۱] و یا به عامل عبرت[۲] و نیز موانع بهره‌مندی از آن پرداخته شده است.[۳] در این آثار عموماً بر بهره‌گیری از داده‌های تاریخی تأکید شده و در آنها به عبور از حالت غفلت به حالت برتر (آگاهی)[۴] و یا گذار از شناخت قابل مشاهده به شناختی غیر قابل مشاهده[۵] و یا عبور از دیدنی‌ها و شنیدنی‌ها به نادیدنی‌ها و ناشنیدنی‌ها[۶] و یا انتقال از آن به حق[۷] اشاره شده است. در این آثار استخراج الگوی قرآنی عبرت در آنها انجام نگرفته است؛ بر این اساس است که اولاً فرایند استخراج الگو از همه آیات در آنها پیموده نشده و ثانیاً یافته‌های تفصیلی درباره الگو ارائه نشده است. تلاش شهید صدر نیز در استخراج مواردی چون سنت‌های تاریخی

---

۱. طبرسی، ***مجمع البیان***، ج ۵، ص ۴۱۶؛ طوسی، ***التبیان***، ج ۶، ص ۲۰۹ و ج ۱۰، ص ۲۵۹؛ مغنیه، ***تفسیر الکاشف***، ج ۴، ص ۳۶۸ و ج ۷، ص ۵۰۹؛ مکارم شیرازی، ***تفسیر نمونه***، ج ۱۰، ص ۱۰۱.
۲. همان، ج ۲۶، ص ۹۵.
۳. طیب، ***اطیب البیان فی تفسیر القرآن***، ج ۷، ص ۲۹۷.
۴. صادقی تهرانی، ***الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن***، ج ۱۵، ص ۲۳۶.
۵. علامه طباطبایی، ***المیزان***، ج ۱۱، ص ۲۸۰؛ آلوسی، ***روح المعانی***، ج ۷، ص ۶۹.
۶. قرائتی، ***تفسیر نور***، ج ۴، ص ۳۰۶.
۷. صادقی تهرانی، ***الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن***، ص ۲۴۸.

از قرآن، در دسته تفسیر موضوعی جای می‌گیرد و تلاشی از جنس معنایابی و نه عملکردشناسی است و غالباً خروجی آن نیز گونه‌شناسی و دسته‌بندی اطلاعات مرتبط بوده و وارد فضای الگوشناسی نشده است.[۱]

ب) آثاری که به‌طورکلی به تاریخ در قرآن پرداخته‌اند؛ همچون کتاب ***بینش تاریخی قرآن*** اثر یعقوب جعفری، ***تاریخ در قرآن*** اثر مجید کافی[۲] و نیز آثاری که تحت عناوینی چون «هدف»[۳] و «فایده»[۴] تاریخ در قرآن یا در میان مورخان مسلمان به نگارش درآمده‌اند؛ گرچه در همه این آثار به عبرت و واژهای نزدیک به آن به عنوان کارکرد تاریخ در قرآن پرداخته شده است، ارائه الگوی کارکردناختی علم تاریخ در قرآن در آنها مورد نظر نبوده است.

ج) آثار غربیان در فلسفه علم تاریخ مانند کتاب ***بنیادهای علم تاریخ*** از مکالا که در آنها به کارکرد شناختی علم تاریخ اشاره شده است. در این آثار نیز فراتر از امکان کارکرد شناختی امروزین علم تاریخ به ارائه الگوی آن پرداخته نشده است.

مفهوم‌شناسی

۱. الگوشناسی

واژه «الگو» تاکنون در معانی متعددی به کار رفته است. برخی آن را «نمایش نظری و ساده شده از جهان واقعی»[۵] دانسته‌اند و برخی نیز «جز کوچک یا بازسازی کوچک شده یک شیء یا پدیده بزرگ که از لحاظ کارکرد با آن شیء یا پدیده واقعی یکسان است» خوانده‌اند.[۶]

به نظر می‌رسد الگوها از جهت آنکه به لحاظ زمانی، گاه پیش از تحقق و وجود موضوع موردمطالعه و گاه پس از آن ارائه می‌شوند به دو دسته الگوهای پیشینی و الگوهای پسینی تقسیم‌پذیرند. کاوش از گونه نخست را می‌توان تلاشی برای «الگوسازی» خواند و کاوش از الگوی دوم را تلاشی برای «الگویابی» نامید؛ مثلاً در «الگوی دفاعی»،[۷] یا «الگوی کارکرد پژوهشی دانشگاه‌ها با رویکرد صنعت یاری»[۸] الگویی

---

۱. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به: صدر، ***سنت‌های تاریخی در قرآن کریم***.

۲. کافی، ***تاریخ در قرآن***، ج ۱.

۳. نک: دانشکیا، «اهداف و ویژگی‌های تاریخ در قرآن با تأکید بر تاریخ اسلام»، ***فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی***، ش ۱۶، ص ۵۵ ـ ۹۰.

۴. ن. ک: فلاح‌زاده، «فایده‌مندی علم تاریخ از نظر مورخان مسلمان»، ***قبسات***، ش ۴۲.

۵. ن. ک: فرزندی و ترکاشوند، ***واکاوی مفاهیم الگو، نظریه، اندیشه، منظومه، مکتب و ارتباط آنها با یکدیگر***، ص ۲۶.

۶. همان.

۷. همان، ص ۳۶.

۸. غلامی و دیگران، «طراحی الگوی کارکرد پژوهشی دانشگاه‌ها با رویکرد صنعت یاری»، ***فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی***، ش ۲۷، ص ۲۴۴.

پیش از تحقق موضوع یعنی الگوسازی مورد نظر است و «الگوی رأی دادن مردم یک شهر در انتخابات ریاست جمهوری»[۱] و یا «الگوی رفتار نخبگان در یک دوره زمانی»[۲] الگویی پس از تحقق یعنی الگویابی مورد نظر است. الگوهای پیشینی، الگوهایی معیاری و هنجاری هستند و الگوهای پسینی، الگوهایی توصیفی خواهند بود.

علاوه بر تعاریف الگو، ویژگی‌ها و نیز کارکردهایی برای الگوها شمرده شده است، مواردی چون گویاتر بودن ازآنچه قرار است الگوی آن ارائه شود، ساده‌تر بودن از آن، برخورداری از تعدد عناصر، ویژگی‌های برشمرده برای آن است و مواردی چون کمک به درک بهتر موضوع و کمک به پیش‌بینی، مواردی برای کارکرد الگو معرفی شده‌اند.[۳]

آنچه در این مقاله از الگو مورد نظر است: «معادل و بدل نظم‌یافته و ساده از یک موضوع یا پدیده مورد مطالعه است». موضوع موردمطالعه می‌تواند از قبیل رفتار انسانی و پدیده موردمطالعه نیز می‌تواند از قبیل پدیده‌های طبیعی همچون سیل و زلزله باشد. به تعبیر دیگر الگو، صورت یا محتوای استخراج‌شده از وضعیت آشوب‌گونه و پیچیده مورد مطالعه است. بنابراین الگویی که در این مقاله به دنبال استخراج آن از آیات تاریخی قرآن خواهیم بود، الگویی پسینی و توصیفی است و فرایند الگویابی و نه الگوسازی برای استخراج معادل و بدلی از نظم موجود در قرآن پیگیری خواهد شد.

۲. کارکرد شناختی علم تاریخ

کارکردهایی که تاکنون برای علم تاریخ شمرده شده است را می‌توان به دو دسته کارکردهای شناختی و کارکردهای روان‌شناختی تقسیم کرد. کارکرد شناختی، کارکردی است که در آن تولید و عرضه معرفت مورد نظر است و کارکرد روان‌شناختی کارکردی است که بر تأثیرگذاری روانی تمرکز دارد.

ارائه اطلاعات خُرد از گذشته، ارائه روابط میان اطلاعات خُرد گذشته، تلاش برای دسته‌بندی و کلان‌نگری نسبت به گذشته و کشف و توصیف اصول و قواعد از اطلاعات مربوط به گذشته و تلاش در جهت برقراری ارتباط میان اطلاعات گذشته و مسئله‌های زمان حال یا آینده، فعالیت‌هایی ناظر به کارکردشناختی علم تاریخ هستند. در مقابل تلاش در راستای اطمینان‌بخشی یا اضطراب‌بخشی به مخاطبان از اطلاعات مربوط به گذشته و یا تلاش برای ساخت و بازسازی یک هویت و یا تخریب و

---

۱. نک: یوسفی رامندی، «الگوی رفتار رأی‌دهی مردم در انتخابات جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر رویکرد بازاریابی سیاسی»، ***نشریه دانش سیاسی***، ش ۱۴، دوره ۲.

۲. نک: متقی و پیری، «الگوی رفتار نخبگان در دولت سیدمحمد خاتمی»، ***فصلنامه سیاست***، دوره ۴۷.

۳. نک: همان، ص ۴۱ و ۴۲.

تضعیف یک هویت از خلال اطلاعات مربوط به گذشته، فعالیت‌هایی ناظر بـه کـارکرد روانشـناختی علـم تاریخ هستند. به‌عنوان نمونه در آیه «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ»،[1] وجوب روزه در امت‌های پیشین، داده‌ای تاریخی است که برای تسهیل تکلیف وجوب روزه معاصران و آیندگان ارائه شده است و به دنبال ارائه کارکرد شناختی جدیدی نیست و کارکردی روانی مورد نظر است.

آنچه از کارکرد علم تاریخ در این مقاله مورد نظر است، کارکرد شناختی است و در میان کارکردهـای متنوع شناختی، تلاش در جهت برقراری ارتباط شناختی میان اطلاعات گذشته و مسئله‌های زمـان حـال یا آینده مورد نظر است.

فرایند استخراج الگو کارکرد شناختی علم تاریخ در قرآن

فرایند استخراج الگو در قرآن، مبتنی بر «پیش‌نیازهای الگومندی» و «عملیات الگویابی» است تا بر پایـه آن دو بتوان الگوی کارکرد شناختی علم تاریخ در قرآن را ارائه نمود.

۱. پیش‌نیازهای الگومندی در قرآن

عملیات الگویابی مبتنی بر دو پیش‌نیاز مهم یعنی برخورداری از جامعه آماری و تنوع جامعه آماری است:

یک. برخورداری از جامعه آماری (آیات الگو نما)

درباره تعداد آیات تاریخی در قرآن دیدگاه‌هایی ارائه شده است؛ ازجمله برخی یک پنجم و برخی سه هزار آیه[2] و عده‌ای حدود سه پنجم آیات قرآن را آیات تاریخی یا مرتبط با مباحث تـاریخی آن دانسـته‌انـد.[3] از سوی دیگر کارکردهای آیات تاریخی قرآن متنوع است؛ گاه کارکردی روان‌شناختی در یک آیـه تـاریخی مورد نظر است همچون آیه «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّـذِينَ مِـنْ قَـبْلِكُمْ»[4] و گـاه نیـز کـارکرد شناختی مورد نظر است؛ اما شناختی به منظور تصحیح باوری درباره یک رویداد تاریخی ارائه شده اسـت؛ مانند آیه «وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ»[5] این آیـه قطعـاً بـرای معاصـران مفیـد اسـت و اندیشـه مسیحیان در به صلیب کشیده شدن مسیح را به نقد می‌کشد؛ اما از این شناخت تاریخی، گـذار بـه زمـان

---

۱. بقره / ۱۸۳.

۲. رضایی، «بررسی جایگاه تاریخ و قصص در قرآن»، ***مجله پژوهشنامه معارف قرآنی***، ش ۱۸، ص ۱۱۷ ـ ۱۱۶.

۳. الویری، «نشست تاریخ در قرآن (طرح‌واره‌ای برای تاریخ‌کاوی در سپهر قـرآن)»، ***پژوهشـگاه علـوم انسـانی و مطالعـات فرهنگی***.

۴. بقره / ۱۸۳.

۵. نساء / ۱۵۷.

حال برای ارائه یک شناخت جدید صورت نگرفته است. گاه نیز یک شناخت تاریخی در قرآن ارائه می‌شود و شناخت غیرتاریخی جدیدی در زمان حال در آن مورد نظر است. این آیات تاریخی قرآن، جامعه آماری برای دریافت الگوی کارکرد شناخت تاریخی از آنها را تشکیل می‌دهند و تنها بخشی از آیات مرتبط با تاریخ در قرآن هستند که می‌توان آنها را «آیات الگونما» خواند.

آیات الگونما، حدود صد آیه هستند و در همه جزءهای قرآن پراکنده‌اند. این آیات به دو دسته بزرگ تقسیم می‌شوند که می‌توان هر یک را «گروه آیات» نامید و با انشعاب‌هایی که در آنها صورت می‌پذیرد به دسته‌های کوچک‌تری تقسیم می‌شوند و از هر دسته یک آیه که می‌تواند آن دسته را نمایندگی کند، انتخاب می‌شود و آیات نماینده به تفصیل مورد بررسی قرار می‌گیرند. این دو دسته بزرگ «گروه آیات اکتشاف تاریخی» و «گروه آیات عاملیت تاریخی» هستند.

الف) گروه آیات اکتشاف تاریخی

بخشی از صد آیه‌ای که جامعه آماری موردِنظر را تشکیل می‌دهند، گروهی از آیات تاریخی هستند که اگر خداوند آنها را ارائه نمی‌کرد، امکان دستیابی به آنها ممکن نبود. بر این اساس، خداوند به‌عنوان شاهد رویداد، یک اکتشاف تاریخی را در این آیات ارائه نموده است. این گروه از آیات خود به دو دسته آیات اکتشاف وضعیت اولیه و آیات اکتشاف وضعیت ثانویه تقسیم می‌شوند.

۱. آیات اکتشاف وضعیت اولیه

این دسته، شامل آیاتی تاریخی است که بر وضعیت اولیه ساخت یک پدیده تاریخی تمرکز کرده‌اند و مبتنی بر همان وضعیت اولیه، شناختی امروزین از آنها قصد شده است. این آیات خود به دو گونه آیات وضعیت اولیه ناظر به ساخت انسان، و آیات وضعیت اولیه ناظر به ساخت جهان طبیعی تقسیم می‌شوند.

یک. اکتشاف وضعیت اولیه ساخت انسان

در این دسته از آیات بر وضعیت اولیه ساخت انسان نخستین و ویژگی همراه با ساخت آن، تأکید شده است؛ یعنی وضعیت اولیه تاریخی، ناظر به داشته‌ها و ظرفیت‌های اولیه‌ای است که در ساخت انسان و همراه با آن وجود داشته است. به تعبیر دیگر، تمرکز بر یک داشته در ابتدای ساخت این پدیده است و همان داشته تاریخی در ابتدای ساخت، در فرایند جابجایی به زمان حال قرار گرفته و تلاش شده تا به معاصران و آیندگان برسد.

نمونه گویایی از این آیات، آیات مربوط به آفرینش آدم‌علیه‌السلام در قرآن است. این آیات، نسبت به زمان نزول قرآن، تاریخی بوده و مربوط به گذشته‌ای دور به شمار می‌رفته‌اند. همچنین این آیات، آیات اکتشافی تاریخی هستند؛ چراکه صرفاً از سوی شاهد ساخت اولیه، امکان عرضه داشته‌اند.

آیات تاریخی مربوط به آفرینش و ساخت اولیه آدم در چند جای قرآن منعکس شده‌اند؛[۱] اما آنچه در اینجا به‌عنوان نماینده‌ای از این دسته موردنظر است، آیات ۳۰ تا ۳۳ سوره بقره است، در این آیات رویدادی پیش از ساخت و نیز پس از ساخت ارائه شده است و گفتگویی میان خداوند و فرشتگان پیش از ساخت آدم‌علیه‌السلام به تصویر کشیده شده است.

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ * وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ * قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ * قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ.

قرآن در این دسته از آیات درصدد است تا داده‌هایی درباره ساخت اولیه انسان در اختیار انسان معاصر و آیندگان (زمان حال) قرار دهد و از شناخت‌هایی تاریخی از وضعیت ساخت اولیه او و ویژگی‌های همراه به آن به شناخت‌هایی امروزی درباره انسان و ویژگی‌های او گذر کند. این رویدادِ داستانی با حفظ عناصر اصلی آن از این قرار است: وقتی خداوند تصمیم به ساخت موجود جانشین (خلیفه) گرفت، فرشتگان مخالفت کردند و خداوند در مقابل استدلال آنان از قابلیت جدید این سازه یعنی قابلیت فراگیری که آنها از آن بی اطلاع بودند، سخن گفت. این قابلیت به آزمون گذاشته شد و سازه موردنظر با موفقیت از آزمون خارج شد. در این آیات شناخت تاریخی خُرد (ساخت آدم) با موضوع قابلیت‌های نوین سازه برای معاصران زمان نزول و پس از آن (زمان حال) ارائه شده است.

حال سؤال مهم آن است که چرا قرآن وضعیت اولیه ساخت انسان را برای انسان ارائه می‌کند؟ به نظر می‌رسد اطلاعات تاریخی مربوط به پیش از ساخت انسان، قرار است برای انسان مفید باشد. حال سؤال دیگر این است که چگونه برای او مفید هستند؟ به نظر می‌رسد این اطلاعات تاریخی حاوی اطلاعات انسان‌شناسانه برای انسان هستند؛ یعنی اطلاعات وضعیت اولیه ساخت، اطلاعاتی پایه برای همه انسان‌ها در اختیار قرار می‌دهند؛ بنابراین این آیات تاریخی که حاوی اطلاعات اولیه زمان ساخت هستند، برای ارائه شناخت درباره انسان معاصر ارائه شده‌اند.

آیات مربوط به آفرینش آدم‌علیه‌السلام در منابع کهن تاریخی در تاریخ‌نگاری اسلامی به‌خصوص در تواریخ عمومی که از ابتدای خلقت انسان آغاز شده و تا زمان حال مورخ را دربرمی‌گیرد، به‌عنوان داده تاریخی

---

۱. برای نمونه ن. ک: اعراف / ۱۱؛ حجر / ۳۰ ـ ۲۶.

مورداستفاده قرار گرفته است[۱] و برخی از منابع تاریخی پس از آن نیز به این آیات استناد کرده‌اند،[۲] اگرچه نگاه آنها غالباً در عرضه این دسته از داده‌های تاریخی قرآن، توصیف‌گر و فاقد تنوع کارکردی است.

دو. اکتشاف وضعیت اولیه ساخت جهان طبیعی

دسته دوم از آیات اکتشاف تاریخی، آیاتی هستند که وضعیت ساخت اولیه جهان طبیعی در آنها ارائه شده است؛ یعنی با اشاره تاریخی به وضعیت ساخت اولیه جهان طبیعی، بـه اثبـات یـک معرفـت غیرتـاریخی می‌پردازد؛ ازجمله در آیه ۷ سوره هود می‌فرماید:

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ولَئِنْ قُلْتَ إِنَّكُمْ مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ.

قرآن با بیان اینکه آفرینش آسمان و زمین در مرحله ساخت اولیه از سوی خداونـد بـوده اسـت و نیـز پس از اشاره به این نکته که عرش او بر آب قرار داشته است به بعید نبودن برانگیحته شدن پس از مرگ (معاد) سیر کرده است؛ یعنی وضعیت اولیه جهان طبیعی، ساخت از عدم بوده است و این مطلبی است که انسان از وقوع آن دچار تعجب نمی‌شوند؛ اما از وقوع امر مشابه آن دچار تعجب می‌شوند؛ یعنـی شـناختی تاریخی درباره وقوع یک امر در گذشته برای امکان وقوع امری مشابه در آینده به کار گرفته شده است و در صدد این شناخت به معاصران است که «امروزه باور به معاد، باور به امری عجیب نیست».

این آیه در برخی منابع تاریخی متقدم به‌عنوان اکتشاف تاریخی مبتنی بر وحی نیز مورد استفاده قـرار گرفته[۳] و نیز برخی منابع تفسیری متقدم[۴] و متأخر[۵] با استناد به این آیـه بـه توصـیف خلقـت اولیـه جهـان طبیعی و شبهه مشرکان پرداخته‌اند.

۲. آیات اکتشاف وضعیت ثانویه جهان انسانی

در این دسته از آیات اکتشافی قرآن، وضعیتی ثانوی پس از وضعیت اولیه را در جهان انسـانی بـه تصـویر کشیده است. نمونه بارزی از این آیات، آیات اختلاف در امت‌های پیشین است که پس از وضـعیت اولیـه آنها «امت واحده» بوده است. قرآن باآنکه اختلاف در رنگ و زبـان در طبیعـت انسـانی را از آیـات الهـی

---

۱. طبری، ***تاریخ الامم و الملوک***، ج ۱، ص ۸۹؛ مسعودی، ***مروج الذهب***، ج ۱، ص ۴۰.

۲. مقدسی، ***البدء و التاریخ***، ج ۲، ص ۸۹ ـ ۸۳؛ ابن‌اثیر، ***الکامل***، ج ۱، ص ۲۷؛ ابن‌کثیر، ***البدایة و النهایة***، ج ۱، ص ۶۸.

۳. طبری، ***تاریخ الامم و الملوک***، ج ۱، ص ۳۵؛ مقدسی، ***البدء و التاریخ***، ج ۱، ص ۱۴۹؛ ابن‌کثیر، ***البدایة و النهایـة***، ج ۱، ص ۸.

۴. برای نمونه ن. ک: قمی، ***تفسیر القمی***، ج ۱، ص ۳۲۲ ـ ۳۲۱؛ ابن‌ابی‌حاتم، ***تفسیر القـرآن العظـیم***، ج ۶، ص ۲۰۰۶ ـ ۲۰۰۴؛ طبرسی، ***مجمع البیان فی تفسیر القرآن***، ج ۵، ص ۲۱۷.

۵. برای نمونه ن. ک: مغنیه، ***تفسیر الکاشف***، ج ۴، ص ۲۱۰؛ سبزواری نجفی، ***ارشاد الاذهان***، ص ۲۲۷.

دانسته و آن را امری مطلوب معرفی کرده است،[۱] این اختلاف در جهان انسانی را مذموم دانسته و حالت اولیه «واحده» آن را امری مطلوب شمرده است؛ بر اساس همین مطلوبیت حالت اولیه است که در آیات متعددی چنین آمده است «اگر خداوند می‌خواست مردم را امت واحدی قرار می‌داد»؛[۲] یعنی آن را به وضعیت اولیه بازمی گرداند. همچنین قرآن در آیه ۲۱۳ سوره بقره، تحول و دگرگونی حالت اولیه و استقرار وضعیت ثانویه را علت بعثت پیامبران معرفی کرده است:

كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ.

در این دسته، داده‌ای تاریخی درباره وضعیت اولیه جهان انسانی و مطلوبیت آن و وضعیت ثانوی آن و نامطلوبی آن به انسان ارائه شده است به تعبیر دیگر تلاش شده تا شناختی تاریخی درباره وضعیت‌های اولیه و ثانویه جهان انسانی در گذشته به زمان حال انتقال یابد و شناختی فراتاریخی به معاصران ارائه گردد.

این آیه در منابعی چون تاریخ طبری[۳] و البدء و التاریخ مقدسی[۴] به‌عنوان یک داده تاریخی مورد استفاده قرار گرفته است و چگونگی امت واحده بودن انسان‌ها و اختلاف بعد از آن و همچنین نقش خدا در تاریخ برای رفع این اختلاف‌ها در برخی تفاسیر متقدم[۵] و متأخر[۶] مورد توجه قرار گرفته است.

ب) گروه آیات عاملیت تاریخی

گروه دوم در آیات الگونما، آیات تاریخی هستند که بر علت و چرایی پدیده‌های تاریخی تمرکز دارند. این آیات بر عاملیت‌هایی در بررسی چرایی‌های پدیده‌های تاریخی تأکید دارند و مبتنی بر آنها شناخت غیرتاریخی از یک شناخت تاریخی رقم خورده است. این عاملیت‌ها در این گروه آیات، دو دسته «عاملیت تاریخی انسان» و «عاملیت تاریخی قوانین» دارند. این گروه از آیات به لحاظ آماری در نسبت با آیات اکتشاف تاریخی، سهم بیشتری از آیات الگونما را به خود اختصاص داده‌اند.

---

۱. وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَأَلْوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِلْعَالِمِينَ. (روم / ۲۲)

۲. وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ. (مائده / ۴۸؛ نحل / ۹۳)

۳. طبری، ***تاریخ الامم و الملوک***، ج ۱، ص ۱۷۸.

۴. مقدسی، ***البدء و التاریخ***، ج ۳، ص ۳.

۵. برای نمونه ن. ک: طبری، ***جامع البیان فی تفسیر القرآن***، ج ۲، ص ۱۹۴؛ ابن‌ابی‌حاتم، ***تفسیر القرآن العظیم***، ج ۲، ص ۳۷۵.

۶. برای نمونه ن. ک: آلوسی، ***روح المعانی***، ج ۱، ص ۴۹۵؛ فیض کاشانی، ***تفسیر الصافی***، ج ۱، ص ۲۴۴.

۱. آیات عاملیت تاریخی انسان

این دسته از آیات الگونما، بر انسان به‌عنوان عامل در پدیده‌های تاریخی تمرکز دارند. در این آیات، عامل انسانی اعم از فردی یا اجتماعی دارای کنشی هستند که یا اثر آن کنش رفته‌رفته به زمان حال رسیده و زمان حال و معاصر را تحت تأثیر قرار داده است و رویداد امروز متأثر از آن بوده و آن کنش تاریخی علت رویداد امروزین است (تبیین روایی) و یا امر مشترکی در صدور کنش تاریخی مؤثر بوده و همان امر مشترک امروزه نیز در صدور عمل معراصر نقش‌آفرین است.

نمونه‌ای از عاملیت تاریخی انسان فردی در قرآن داده‌های تاریخی درباره بلعم باعورا[1] است. در این آیه داده‌ای تاریخی درباره نقش عامل انسان فردی در فرجام ناگوار در زمان گذشته برای معاصران زمان نزول و پس از آن (زمان حال) به تصویر کشیده شده است و تلاش شده تا این شناخت تاریخی حاوی شناختی معاصر برای انسان‌ها درباره عاملیت فرد انسانی باشد.

نمونه‌ای از عاملیت تاریخی انسان اجتماعی در قرآن، آیه ۸۷ سوره بقره اشاره کرد:

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَقَفَّيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُكُمُ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ.

در این آیه به چرایی ایمان نیاوردن یهودیان به رسول خدا ﷺ پرداخته شده و عامل را در درون این جماعت انسانی می‌کاود و با ارائه شناختی تاریخی از گذشته مواجهه این جماعت به عامل تکذیب و قتل پیامبران پرداخته است و این شناخت تاریخی را برای علت ایمان نیاوردن آنان به رسول خدا ﷺ در اختیار انسان قرار می‌دهد. یعنی از استکبار تاریخی یهودیان پیشین به دلیل ناهمخوانی دعوت پیامبران با خواسته‌های نفسانی آنان بهره گرفته است تا مواجهه امروزین این اجتماع انسانی را علت‌شناسی نماید و چنین نتیجه‌گیری کند که امروز هم علت مخالفت آنان، ناهمخوانی دعوت رسول خدا ﷺ با خواسته‌های نفسانی و استکبار آنان است. در این آیه تلاش شده که این شناخت تاریخی درباره عامل مواجهه جمعی آنان به زمان معاصران انتقال یابد و شناختی جدید (امروزه عامل تکذیب و قتل آنان، استکبار آنهاست) در اختیار آنان قرار داده شود. این آیه در برخی از منابع کهن تاریخی، بازتاب داشته است.[2]

---

۱. وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَأَتْبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ * وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثْ أَوْ تَتْرُكْهُ يَلْهَثْ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ. (اعراف / ۱۷۶ ـ ۱۷۵)

۲. ابن‌هشام، ***السیرة النبویة***، ج ۱، ص ۵۴۱.

۲. آیات عاملیت تاریخی قوانین

این دسته از گروه آیات علیت تاریخی، بر قوانین و سنت‌های اجتماعی به‌عنوان عامل در پدیده‌های تاریخی تمرکز دارند؛ یعنی پرداختن به چرایی رویدادها مبتنی بر قوانین در این آیات مورد توجه هستند. از این دسته می‌توان به عاملیت سنت‌های متعددی چون سنت ابتلاء،[۱] سنت غلبه،[۲] سنت دفع[۳] و سنت فرجام اشاره نمود؛ ازجمله این آیات آیه «تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ وَلَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ هَذَا فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ»[۴] است. این آیه که پس از آیات مربوط به کشتی نوح و غرق شدن کافران و نجات مؤمنان[۵] ارائه شده و یک جمع‌بندی نهایی از آنهاست و برخی از مورخان نیز در ارائه تاریخ مربوط به حضرت نوح به آن اشاره کرده‌اند،[۶] با حرف فاء در «فاصبر» به نتیجه ارائه این داده‌های تاریخی برای انسان اشاره شده است؛ به تعبیر دیگر تلاش شده تا شناخت تاریخی (موفقیت فرجامی متقین در گذشته) به شناختی جدید (موفقیت فرجامی در آینده) به انسان معاصر نزول و پس از آن (زمان حال) منتقل شود.

دو. تنوع در آیات الگو نما

یکی از پیش‌نیازهای الگومندی، علاوه بر برخورداری کمّی جامعه آماری، نیازمند تنوع کیفی اعضای جامعه آماری است؛ یعنی صرف تعدد اعضاء، کافی نیست؛ چراکه می‌بایست الگوی موردنظر باوجود تنوع و تمایز میان اعضاء جامعه آماری، قابلیت استخراج داشته باشد. اگرچه تنوع اعضاء به نسبت الگوی مستخرج متغیر است، اصل تنوع جامعه آماری در دریافت الگوی ناظر به آن ضروری خواهد بود. در آیات الگونما که در قالب دسته‌هایی ارائه شد، تنوع کیفی محسوسی دیده می‌شود و اساساً تنوع دسته‌ها برآمده از تنوع کیفی آنهاست؛ چراکه برخی اکتشافی و برخی عاملیتی هستند و اکتشافی‌های آن نیز به اکتشاف وضعیت اولیه و ثانویه تقسیم می‌شوند و همین طور عاملیت‌ها به انسانی و قوانین تقسیم می‌شوند؛ بنابراین جامعه آماری موردنظر علاوه بر برخورداری از کمیتی در حدود صد آیه از تنوع کیفی محسوسی بهره مند است. این تنوع کیفی هم به لحاظ موضوع و محتوای آیات و هم به لحاظ زمان تاریخی آیات و هم به لحاظ قالب آیات از این منظر که کلان یا خُرد است، قابل مشاهده است. یعنی به لحاظ زمانی

---

۱. بقره / ۲۱۴.
۲. بقره / ۲۴۹.
۳. بقره / ۲۵۱.
۴. هود / ۴۹.
۵. هود / ۴۸ ـ ۲۵.
۶. ابن‌کثیر، ***البدایة و النهایة***، ج ۱، ص ۱۰۲ ـ ۱۰۱.

شامل تاریخ دور،[۱] تاریخ میانه[۲] و تاریخ نزدیک[۳] (معاصر) می‌شوند؛ یعنی در هر سه مقطع تاریخی، داده‌های تاریخی قرآن دیده می‌شود. همچنین این داده‌ها به لحاظ سطح پرداخت در سه سطح تاریخ فردی،[۴] تاریخ قومی[۵] و تاریخ جهانی[۶] طبقه‌بندی می‌شوند؛ چنان‌که به لحاظ موضوع داده تاریخی، می‌توان آنها را به تاریخ طبیعی[۷] و تاریخ انسانی[۸] دسته بندی کرد. در مورد قالب‌های متنوع، این آیات، به قالب رویداد داستانی که دارای شخصیت (کاراکتر) است؛ همچون آفرینش آدم علیه‌السلام و قالب رویداد بدون شخصیت همچون تاریخ رویدادهای طبیعی و عاملیت قوانین طبقه‌بندی می‌شوند. بر این اساس شاخص دوم الگومندی درآیات موردنظر و به‌تبع آن مرحله دوم استخراج الگو از این آیات، احراز می‌شود.

۲. عملیات استخراج الگو از آیات

استخراج الگو کارکرد شاختی علم تاریخ در قرآن، علاوه بر پیش‌نیازهای الگومندی، نیازمند عملیات استخراج است. این عملیات چهار مرحله دارد که در ادامه این چهار مرحله در آیات الگونما پیگیری می‌شود.

یک. شناسایی امر تکرارشونده

جامعه آماری علاوه بر تعداد و تنوع متناسب با الگو به امر یا امور تکرارشونده در جامعه آماری نیازمند است؛ یعنی همواره باید، یک یا چند نقطه مشترک در همه اعضاء یافت گردد و بتوان آنها را در همه

---

۱. برای نمونه ن. ک: «وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ». (اعراف / ۱۷۲)

۲. برای نمونه ن. ک: «وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَقَفَّيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُكُمُ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ». (بقره / ۸۷)

۳. برای نمونه ن. ک: «فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا». (مریم / ۵۹)

۴. برای نمونه ن. ک: «إِنَّ مَثَلَ عِيسَى عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (آل‌عمران / ۵۹)؛ «وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ بَغْيًا وَعَدْوًا حَتَّى إِذَا أَدْرَكَهُ الْغَرَقُ قَالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنَتْ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ * آلْآنَ وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَكُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ * فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِبَدَنِكَ لِتَكُونَ لِمَنْ خَلْفَكَ آيَةً وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ عَنْ آيَاتِنَا لَغَافِلُونَ». (یونس / ۹۲ – ۹۰)

۵. برای نمونه ن. ک: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ...». (اعراف / ۱۰۳ ـ ۵۹)

۶. برای نمونه ن. ک: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ». (بقره / ۲۹)

۷. برای نمونه ن. ک: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ». (انعام / ۱)

۸. برای نمونه ن. ک: «إِنَّ مَثَلَ عِيسَى عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ». (آل‌عمران / ۵۹)

اعضای جامعه آماری شناسایی کرد. باوجود تنوع محسوسی که در میان آیات الگونما وجود دارد، امر تکرارشونده‌ای در همه آنها مشاهده می‌شود و آن گذار از شناختی تاریخی به شناختی غیرتاریخی در زمان حال برای انسان است. این امر تکرارشونده در نماینده آیات الگونما قابل شناسایی است.

ازجمله در دسته وضعیت اولیه ساخت انسان در گروه آیات اکتشافی که آیات آفرینش حضرت آدم‌علیه‌السلام نماینده آن بود، گذر از آدم به انسان و نیز از قابلیت‌های نوین او به قابلیت‌های انسان برای ارائه به انسان معاصر نزول و پس از آن انجام گرفته است؛ یعنی اولاً انسان، ذاتاً موجود شروری نیست و ثانیاً سازه‌ای جدید با قابلیتی ویژه است و این قابلیت، امکان فراگیری مستقیم از خداوند است؛ بنابراین خداوند این شناخت تاریخی یعنی رویدادهای پیش از ساخت و نزدیک به ساخت آدم‌علیه‌السلام را به‌منظور شناخت انسان و قابلیت‌های ویژه او در اختیار معاصران و آیندگان قرار داده است.

همچنین در دسته آیات وضعیت اولیه ساخت جهان طبیعی در گروه آیات اکتشاف وضعیت اولیه که آیه ۷ سوره هود آن را نمایندگی می‌کرد، خداوند با بیان اینکه آفرینش آسمان و زمین در مرحله ساخت اولیه از سوی او انجام شده به بعید نبودن معاد در آینده سیر کرده است؛ یعنی از شناختی تاریخی (وضعیت اولیه ساخت جهان طبیعی از عدم) به شناختی غیرتاریخی امکان وقوع امری در آینده (برانگیختگی دوباره) سیر کرده و در آن تلاش شده تا میان گذشته‌ای قطعی و آینده‌ای ممکن ارتباط برقرار شود.

نیز در دسته اکتشاف وضعیت ثانویه جهان انسانی از گروه آیات اکتشافی وضعیت اولیه، تلاش شده است تا از شناخت تاریخی وضعیت اولیه (مطلوبیت) و ثانویه (عدم مطلوبیت)، برای انسان، شناختی غیرتاریخی (مطلوبیت امروزی وضعیت اولیه و عدم مطلوبیت امروزی وضعیت ثانویه) ارائه نماید؛ بنابراین در این دسته آیات هم امر تکرارشونده، سیر از شناخت تاریخی به شناختی غیرتاریخی انجام گرفته است.

همچنین در دسته عاملیت تاریخی انسان در گروه آیات عاملیت تاریخی که به عامل بودن انسان اعم از فردی و اجتماعی در چرایی برخی رخدادهای تاریخی پرداخته شده، سیر از یک شناخت تاریخی به یک شناختی غیرتاریخی قابل مشاهده است. در این مجموعه نیز امر تکرارشونده سیری از معرفت تاریخی به معرفتی غیرتاریخی است.

و نیز در دسته عاملیت تاریخی قوانین و سنت‌های اجتماعی که آیه ۴۹ سوره هود آن را نمایندگی می‌کرد شناختی تاریخی از فرجام نیک متقین در گذشته برای انسان معاصر ارائه شد و تلاش شد تا شناختی غیرتاریخی از آن حاصل گردد. به تعبیر دیگر، قرآن با ارائه تاریخ رنج‌های دعوت حضرت نوح و

پیروانش تا غرق شدن کافران و نجات مؤمنان و فرجام نیک آنان، تلاش نموده تا فرجام نیک متقین را در قالب یک قانون و سنت در اختیار معاصران قرار دهد و از شناختی تاریخی (فرجام نیک متقین در گذشته) به شناختی غیرتاریخی (فرجام نیک متقین در حال و آینده) سیر نماید.

بر اساس آنچه درباره امر تکرارشونده از نمایندگان دسته‌های پنج‌گانه ارائه شد، وجود سیر شناختی تاریخی به شناختی غیرتاریخی برای معاصران و آیندگان در آنها محرز تشخیص داده شد.

دو. پالایش تمایزها

مرحله بعدی برای استخراج الگو آن است که پس از شناسایی امر تکرارشونده در جامعه آماری، باید تمایزهای جامعه آماری از آن زدوده شود؛ بنابراین این بخش با شناسایی تمایزهای پنج دسته آیاتی که جامعه آماری الگو را تشکیل می‌دهند، عملیات استخراج الگو انجام می‌گیرد.

در این پالایش همه ممیزهای دسته‌ها حذف می‌شود و در این حذف از تکنیک جایگزینی عنوان فوقانی به جای عنوان تحتانی استفاده می‌گردد؛ به‌عنوان مثال کلی (انسان) جایگزین فرد (زید) می‌شود و جنس (حیوان)، جایگزین کلی (انسان) قرار می‌گیرد؛ بنابراین در پالایش از هر عنوان به سمت کلی فوقانی و مشترک که عنوان موردنظر زیرمجموعه آن باشد، سیر می‌شود و به این ترتیب پالایش از خصوصیت‌ها به سمت اشتراک‌ها انجام می‌شود. بنابراین از دسته نخست که آیات اکتشاف تاریخی درباره وضعیت اولیه ساخت انسان بود، «اکتشاف وضعیت اولیه ساخت انسان» باید حذف شود و عنوان فوقانی آن یعنی «شناخت تاریخی» جایگزین آن شود و نیز از آنچه که از آن به زمان حال می‌رسد یعنی «اکتشاف قابلیت ویژه در زمان حال» نیز سیری به سمت عنوان فوقانی یعنی «شناخت غیرتاریخی» صورت می‌گیرد.

همچنین در دسته وضعیت اولیه جهان طبیعی، وضعیت اولیه جهان طبیعی حذف می‌شود و به جای آن «شناخت تاریخی» قرار می‌گیرد و شناخت غیرتاریخی نیز به جای امکان معاد در آینده، شناخت غیرتاریخی قرار می‌گیرد. همچنین در دسته آیات اکتشاف وضعیت ثانویه نیز به‌جای اکتشاف وضعیت ثانویه، شناخت تاریخی قرار می‌گیرد و به‌جای عدم مطلوبیت وضعیت ثانویه نیز شناخت غیرتاریخی جایگزین می‌شود نیز به‌جای عاملیت تاریخی انسان، شناخت تاریخی قرار گرفته و به‌جای عاملیت انسان معاصر، شناخت غیرتاریخی قرار می‌گیرد و بالاخره به‌جای عاملیت تاریخی قوانین، شناخت تاریخی و به‌جای عاملیت قوانین در زمان نزول و پس از آن (زمان حال)، شناخت غیرتاریخی جایگزین می‌شود. (تصویر ۱)

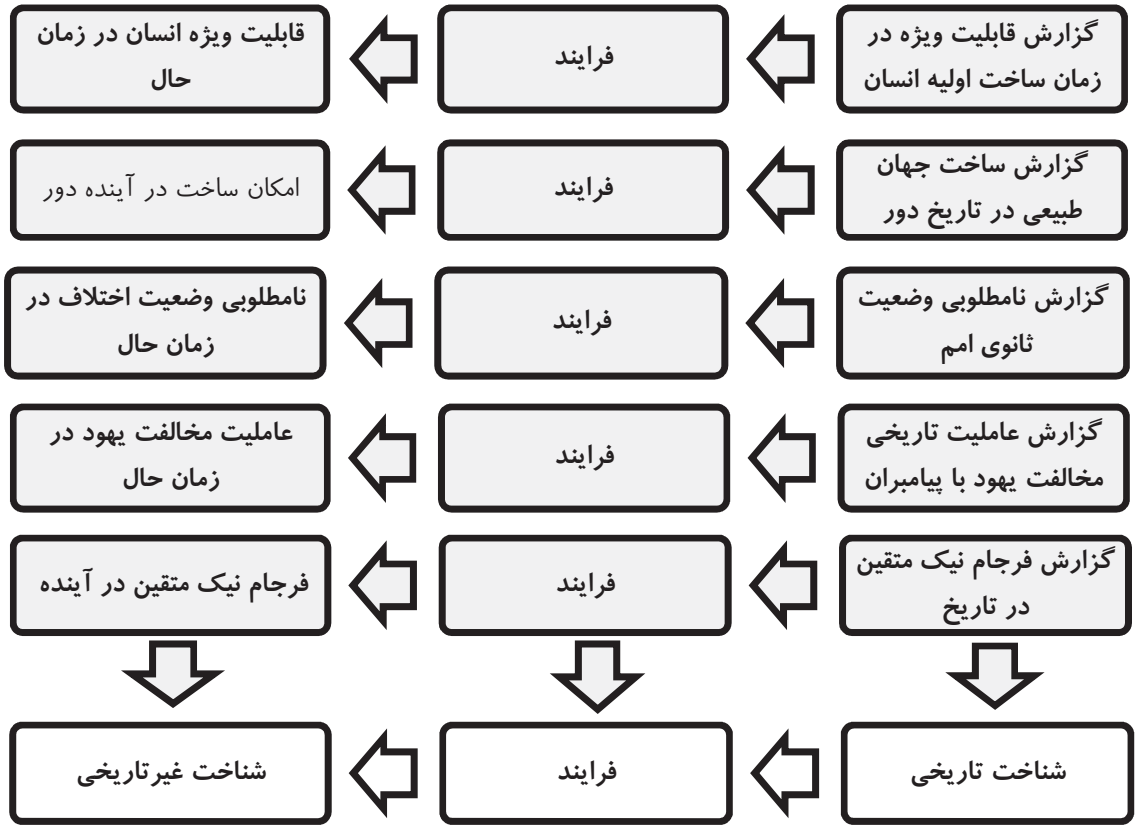

تصویر ۱

اجزاء الگوی کارکرد شناختی علم تاریخ در قرآن

پس از طی شدن فرایند استخراج الگو که شامل بررسی پیش‌نیازهای الگومندی و نیز عملیات استخراج الگو بود، لازم است تا به اجزای این الگوی استخراج شده، پرداخته شود. آنچه در بررسی همه اعضای جامعه آماری به دست آمده است آن است که این سیر، سه جزء و قطعه تشکیل‌دهنده دارد، به این معنا که این سیر در همه اعضای جامعه آماری نقطه آغازی داشته، سپس فرایندی طی می‌شود و در نهایت یک نقطه پایانی دارد. این مقاطع سه‌گانه در همه آیات الگونما، باوجود تمام اختلاف‌هایی که میان آنها در محتوا، زمان و قالب وجود دارد، مشترک است. بر این اساس سیر مشترک در جامعه آماری موردنظر شامل سه جزء ترتیبی الف) شناخت تاریخی پایه (ورودی)، ب) دالان ارتباطی (فرایند) و ج) شناخت غیرتاریخی (خروجی) است.

۱. جزء اول: شناخت تاریخی پایه (ورودی)

شناخت تاریخی پایه (ورودی‌ها) در الگوی مورد نظر در همه آیات الگونما لزوماً تاریخی هستند؛ با این حال شناخت‌های تاریخی که این ورودی‌ها ارائه می‌کنند، یک دست و یک سان نیستند و تنوع محسوسی

در آنها مشاهده می‌شود؛ یعنی این چنین نیست که همواره شناخت‌های تاریخی واحدی در سیر به زمان حال قرار بگیرند؛ بلکه این ورودی‌ها از منظر قالب، دامنه محتوی و زمان متمایز هستند. به تعبیر دیگر ورودی‌های الگو باوجود تمایز و تنوعی که دارند (چرا که گاهی داستانی و گاه غیرداستانی و گاهی خُرد و گاه کلان و در مواردی دیگر مربوط به تاریخ میانه و یا مربوط به تاریخ دور هستند)، به الگو راه یافته‌اند.

۲. جزء دوم: فرایند

فرایند گذار، مهم‌ترین جزء الگو است، چراکه باید دید چه بر سر ورودی‌های الگو در این مرحله می‌آید؟ آیا این فرایند در قرآن، همواره یک نواخت است یا این الگو فرایندهای متنوعی دارد؟ عامل یا عواملی که فرایند را انجام می‌دهد چیست؟ و آیا خود این فرایند از اجزاء و مراحلی تشکیل شده و فرایندی ترکیبی است و یا این چنین نیست و فرایندی بسیط است؟ واژگان قرآنی «عبرت»، «هدایت» و «آیت» در الگوی کارکرد شناختی امروزین علم تاریخ در قرآن، بیشتر به همین جزء دوم یعنی فرایند ناظر هستند؛ یعنی نقطه ثقل مفهومی این واژگان، مسیر و فرایند گذار از گذشته به حال است.

بر اساس کاوش‌های نگارنده دوگونه متمایز از فرایند در این الگوی قرآنی، قابل شناسایی است که یکی فرایندی کاهشی و دیگری فرایندی افزایشی است؛ یعنی در مرحله گذار شناخت تاریخی از گذشته به حال با دو گونه متمایز از فرایند روبرو هستیم که در میانه ورودی تاریخی و خروجی غیرتاریخی نقش ایفا می‌کنند.

یک. فرایند کاهنده

فرایند کاهنده در الگوی مورد نظر به این معناست که ورودی الگو از عناصر تاریخی تهی و تجرید شود و با حذف آنها امکان گذار به زمان حال، برای مقدار باقیمانده فراهم آید. این فرایند، فرایندی غالب در الگو است به تعبیر دیگر این فرایند غالباً همچون آلک عمل کرده و با ریزش برخی داده‌های ورودی، سیر از گذشته به حال با سبک‌سازی میسور می‌شود. درواقع خروجی گذار از شناختی تاریخی به شناختی غیرتاریخی تنگ و باریک است و غالباً با چابک‌سازی ورودی، چنین جابجایی انجام می‌شود. در این فرایند هم به عامل کاهنده نیاز هست و هم به اصولی که بر اساس آنها این کاهندگی رقم زده شود. به نظر می‌رسد فرایند کاهندگی، خود دارای مراحل سه‌گانه‌ای است:

در مرحله نخست، عناصر تاریخی در ورودی الگو شامل نام اشخاص، تعداد اشخاص، زمان رویداد، مکان رویداد و هر آنچه ورودی را به تاریخ وابسته می‌سازد، شناسایی و رصد می‌شود. به جهت آنکه ورودی‌های الگو در برخورداری از عناصر تاریخی متفاوت هستند؛ مثلاً ورودی‌های غیرداستانی و بدون کاراکتر، عناصر تاریخی کمتری نسبت به ورودی‌های داستانی و دارای کاراکتر یعنی «قصص» دارند،

شناسایی عناصر تاریخی آنها سریع‌تر انجام می‌شود. مرحله دومی که در فرایند کاهندگی انجام می‌گیرد آن است که پس از رصد و شناسایی عناصر تاریخی، نوبت به حذف و پاک‌سازی آنها از ورودی می‌رسد. این عمل تجریدی عقلانی است و بالاخره در مرحله سوم، شناسایی عناصر غیرتاریخی که از ورودی به فرایند گذار رسیده‌اند، انجام می‌گیرد و پس از شناسایی، انسجام و ارتباط میان این عناصر برقرار می‌گردد.

دو. فرایند فزاینده

علاوه بر فرایند کاهنده که غالباً فرایند الگو از این گونه است، گاه فرایند الگو افزایشی است به این معنا که تاریخیت ورودی در مرحله فرایند حفظ شده و موضوعیت دارد و داده‌ای بدان افزوده می‌گردد و با آنچه به آن افزوده شده، سیر شناخت تاریخی تا زمان حال یا آینده انجام می‌گیرد. درواقع مسیر گذار از گذشته به حال در این فرایند تنگ و باریک نیست تا نیازمند چابک‌سازی باشد؛ بلکه داده دیگری به آن افزوده می‌گردد تا حرکت و سیر از گذشته به حال را تسهیل نماید. این فرایند همچون یک تقویت کننده عمل کرده و کمک می‌کند تا با افزایشی که صورت می‌گیرد، این سیر انجام پذیرد.

به‌عنوان نمونه در آیه ۷ سوره هود «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ولَئِنْ قُلْتَ إِنَّكُمْ مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ» شناخت تاریخی پایه درباره ساخت اولیه جهان طبیعی است. تاریخیت این شناخت در فرایند جابجایی، حذف نمی‌شود، بلکه قاعده عقلی «ادل الدلیل علی الامکان الوقوع» به آن افزوده می‌شود و امکان امر مشابه، یعنی حیات پس از موت در آینده از آن منتج می‌شود؛ یعنی شناخت آینده ممکن بر پایه شناخت تاریخی قطعی با افزوده شدن یک قاعده عقلی در فرایند جابجایی حاصل می‌گردد.

۳. جزء سوم: شناخت غیر تاریخی (خروجی)

جزء سوم در الگوی کارکرد شناختی علم تاریخ در قرآن، یک شناخت است که لزوماً غیرتاریخی است و شناختی است که محصول و غایت الگو است و با آنکه غایت و مطلوب نهایی الگو، دستیابی و وصول به آن است، به آشکاری جزء نخست در قرآن نیست و سهم کمتری از واژگان و ادبیات آیات را به خود اختصاص داده است و همچون جزء دوم (فرایند)، نیازمند امعانِ‌نظر و دقت است. می‌توان این شناخت را که خروجی الگو است، شناخت «اکنون نما» «حال شناسانه»، «معاصر»، «ثانوی»، «غیرتاریخی» و یا «فراتاریخی» نامید. بر این اساس ما با کارکردی از علم تاریخ در قرآن مواجه هستیم که بر پایه آن می‌توان از شناخت تاریخی، شناختی غیرتاریخی استخراج کرد. این خروجی‌های الگو که شناخت غیرتاریخی هستند، تنوع محسوسی دارند که خداشناسی، انسان‌شناسی و جهان‌شناسی تاریخی از جمله آنهاست.

نتیجه

الگوشناسی گذار شناخت‌های تاریخی از گذشته به حال و دستیابی به شناخت غیرتاریخی از آنها در قرآن در دو مرحله صورت گرفت: نخست فرایند استخراج الگو در قرآن انجام شد و در پایان اجزاء این الگو مورد مطالعه قرار گرفت. فرایند استخراج الگو در این آیاتی که در مظان آن بودند که بخشی از جامعه‌آماری برای دریافت الگو باشند، پیگری شد و با تمرکز بر قدر مشترک میان آنها، گذار از گذشته به حال به عنوان امری تکرارشونده در همه آنها با وجود تمایزهای جدی شناسایی شد و پس از پالایش تمایزهای میان آنها، الگویی سه جزئی شامل شناخت تاریخی پایه (ورودی الگو)، فرایند جابجایی (فرایندالگو) و شناخت غیرتاریخی (خروجی) استخراج گردید. هر یک از اجزاء سه‌گانه الگو به‌صورت جداگانه مورد بررسی قرار گرفت و این نتایج از مطالعه آنها دریافت شد:

جزء اول الگو، شناخت تاریخی پایه (ورودی) است که لزوماً تاریخی است؛ اما یکدست و یکسان نیست و تنوع محسوسی در آن مشاهده می‌شود به این معنی که همواره شناخت تاریخی واحدی در سیر به زمان حال قرار نمی‌گیرند؛ بلکه این ورودی از منظرهای مختلفی چون قالب (داستانی و گاه غیرداستانی)، دامنه محتوی (خُرد و کلان) و زمان (تاریخ میانه و تاریخ دور) متمایز است.

جزء دوم الگو که فرایند گذار است و واژگان قرآنی «عبرت»، «هدایت» و «آیت» بیشتر به آن ناظر هستند، دارای دو گونه متمایز کاهشی و افزایشی تشخیص داده شد. در گونه کاهشی که فرایندی غالب در الگوی قرآنی است، گذار شناخت تاریخی از گذشته به حال با چابک‌سازی ورودی صورت می‌گیرد. این فرایند کاهنده دارای مراحل سه گانه‌ای شامل: ۱. شناسایی عناصر تاریخی در ورودی؛ ۲. پاک‌سازی عناصر تاریخی از ورودی؛ ۳. تجمیع عناصر باقیمانده و برقراری ارتباط میان آنها، شناسایی شد.

فرایند افزایشی که فرایندی نادر در الگوی قرآنی است، گذار شناخت تاریخی از گذشته به حال در آن برخلاف فرایند کاهشی، با افزوده‌ای بر ورودی صورت می‌گیرد و این افزوده گذار از گذشته به حال را تسهیل می‌کند. و مسیر این گذار در آن تنگ و باریک نیست تا نیازمند چابک‌سازی ورودی باشد.

جزء سوم که خروجی الگوست، شناختی لزوماً غیرتاریخی بوده و در واقع غایت الگو است بااین‌حال به روشنی و آشکاری ورودی در قرآن ارائه نشده است و سهم کمتری از واژگان و ادبیات آیات را به خود اختصاص داده است و نیازمند امعانِ‌نظر و دقت‌نظر می‌باشد. این شناخت غیرتاریخی نیز همچون ورودی، تنوع محسوسی به لحاظ محتوایی که به دست می‌دهند، دارند؛ چرا که برخی خداشناسانه، برخی انسان‌شناسانه و برخی دیگر جهان‌شناسانه هستند.

منابع و مآخذ

- آلوسی، سید محمود (١٤١٥ ق). ***روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم***. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن‌ابی‌حاتم، عبدالرحمن بن محمد (١٤١٩ ق). ***تفسیر القرآن العظیم***. ریاض: مکتبة نزار مصطفی الباز.
- ابن‌اثیر، عزالدین أبوالحسن علی بن ابی‌الکرم (۱۳۸۵). ***الکامل فی التاریخ***. بیروت: دار صادر.
- ابن‌کثیر، أبوالفداء اسماعیل بن عمر بن کثیر الدمشقی (١٤٠٧ ق). ***البدایة و النهایة***. بیروت: دار الفکر.
- ابن‌هشام، عبدالملک بن هشام الحمیری المعافری (بی‌تا). ***السیرة النبویة***. بیروت: دار المعرفة.
- اسکایلر، رابرت نیوینگستن (۱۳۸۰). آیا از تاریخ می‌توان آموخت؟. ترجمه عزت‌الله فولادوند. ***نشریه بخارا***. ۲۰ (۳).
- الویری، محسن (۱۳۹۵). ***نشست تاریخ در قرآن (طرح واره‌ای برای تاریخ کاوی در سپهر قرآن)***. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- دانشکیا، محمدحسین (۱۳۹۳). اهداف و ویژگی‌های تاریخ در قرآن با تأکید بر تاریخ اسلام. ***فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی***. ١٦ (۳). ص ۵۵ ـ ۹۰.
- رضایی، زهرا (۱۳۹۳). بررسی جایگاه تاریخ و قصص در قرآن. ***مجله پژوهشنامه معارف قرآنی***. ۵ (۳). ۱۱۵ ـ ۱۳۵.
- سبزواری نجفی، محمد بن حبیب‌الله (١٤١٩ ق). ***ارشاد الاذهان الی تفسیر القرآن***. بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا). ***التبیان فی تفسیر القرآن***. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- صادقی تهرانی، محمد (١٣٦٥). ***الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن***. قم: انتشارات فرهنگ اسلامی.
- صدر، سید محمدباقر (۱۳۹۹ ش). ***سنت‌های تاریخ در قرآن کریم***. قم: دار الصدر.
- طباطبایی، سید محمدحسین (١٤١٧ ق). ***المیزان فی تفسیر القرآن***. قم: جامعه مدرسین.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). ***مجمع البیان فی تفسیر القرآن***. تهران: ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر (١٤١٢ق). ***جامع البیان فی تفسیر القرآن***. بیروت: دار المعرفه.
- طبری، محمد بن جریر بن یزید (۱۳۸۷). ***تاریخ الامم و الملوک***. بیروت: دار التراث.
- طیب، سید عبدالحسین (۱۳۷۸). ***اطیب البیان فی تفسیر القرآن***. تهران: اسلام.
- غلامی و دیگران (۱۳۹۷). طراحی الگوی کارکرد پژوهشی دانشگاه‌ها با رویکرد صنعت یاری. ***فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی***، ٦ (۱). ۲۳۱ ـ ۲۵۳.

- فرزندی، عباسعلی و سینا ترکاشوند (۱۳۹۹). ***واکاوی مفاهیم الگو، نظریه، اندیشه، منظومه، مکتب و ارتباط آنها با یکدیگر***. تهران: دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی.
- فلاح‌زاده، سید حسین (۱۳۸۵). فایده‌مندی علم تاریخ از نظر مورخان مسلمان. ***قبسات***. ۱۱ (۲) ۴۲ ـ ٦۷.
- فیض کاشانی، ملامحسن (۱٤۱۵ ق). ***تفسیر الصافی***. تهران: الصدر.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۳). ***تفسیر نور***. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳٦۳). ***تفسیر القمی***. بیروت: دار الکتاب.
- کافی، مجید (۱۳۹٦). ***تاریخ در قرآن***. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- گدیس، جان لوییس (۱۳۷۷). تأملی در تاریخ معاصر. ***تاریخ معاصر***. ترجمه حسینعلی نوذری. ۵ (۲).
- متقی، ابراهیم و داریوش پیری (۱۳۹٦). الگوی رفتار نخبگان در دولت سید محمد خاتمی. ***فصلنامه سیاست***. ۱۱ (٤). ٤۸۹ ـ ۵۰۷.
- مسعودی، أبوالحسن علی بن الحسین بن علی (۱٤۰۹ ق). ***مروج الذهب و معادن الجوهر***. قم: دار الهجرة.
- مغنیه، محمدجواد (۱٤۲٤ ق). ***تفسیر الکاشف***. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- مقدسی، مطهر بن طاهر (بی‌تا). ***البدء و التاریخ***. بور سعید. تهران: مکتبة الثقافة الدینیة.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷٤). ***تفسیر نمونه***. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- یوسفی رامندی، رسول (۱۳۹۷). الگوی رفتار رأی‌دهی مردم در انتخابات جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر رویکرد بازاریابی سیاسی. ***نشریه دانش سیاسی***. ۲ (۳). ٦۳ ـ ۹۵.